

هنرهای زیبای ایران

نقاشی ظریف * مینیاتور *

هوقویت مهم ایران - شهامت نژاد ایران - هجوم عرب و اثر آن
عانی نقاش و معذب او - چنگیزخان و نقاشی چینی - فتوحات تیمور
و علاقه او بصنایع - فرق بین نقاشی ایران و چین - قرن طلایی نقاشی ایران
بهزاد * نقاشان ایرانی بچه علاقه داشته اند؛ قرن شانزدهم -
رنک آمیزی نقاشان ایرانی - ایران بادست و فکر خود دنیا را
مرهون خود ساخته است

از جمله آثاری که ایران صنایع مستظرفه دنیا افزوده است يك نوع نقاشی ظریف
بخصوصی است که در دنیا در نوع خود منحصر بواحد بوده و مختص به هنرمندان ایرانی
است. این نقاشی زیبا يك سرور و نشاط مخصوصی بانسان می دهد که نقاشیهای دیگر فاقد
آن بوده و بهیچوجه نمیتواند در مقابل آن ایستادگی نمایند.

گرچه طرح و میدان پررنگ آن تا حدی محدود بوده و فقط در کتب قدیم نمونه
های جالب توجهی از آن باقی مانده معیناً همین محدودیت آن يك قدر و قیمت و يك
امتیاز فوق العاده بآن داده و چنانچه روز بروز عملاً میبینیم دبای کثونی اهمیت آنرا بیش از
پیش دانسته و ارزش حقیقی آنرا بهتر درک مینمایند.

ظاهراً نقاشی ظریف یا مینیاتور کاری يك صنعت اسلامی است معیناً نمیتوان فریاد شك
داشت که قرنهای قبل از فتوحات اعراب باشکال مختلف دیگری این صنعت ظریف در ایران
وجود داشته اسولا ایران در عهد شاهان بزرگ هخامنشی يك امپراطوری وسیعی بود که تشکیلات
برجسته داشته راه ها و جاده های سرتاسری، قصور و بنا های عالی آن همه جای دنیا شهرت
و معروفیتی بسزا داشت. گرچه ایران مدیون آشور و مصر است معیناً همیشه رویه و روش
مخصوص خود را در تمام صنایع حفظ نموده است. مجسمه ها، تیکه در ایران ساخته شده زیبایی

و نیروی فکری استادان ایرانی را بخوبی مجسم نموده . در تناسب شکل و اندازه اعضا، يك مهارت مخصوصی را نشان می دهد که بعد ها هم در صنایع جدید تر ایرانی بخوبی مشاهده میگردد .

در سال ۳۳۰ قبل از میلاد امپراطوری ایران مغلوب اسکندر کبیر گردید بواسطه موقعیت جغرافیائی مناسبی که ایران داشته یعنی از يك طرف با دولت یونان و از طرف دیگر با چین و هندوستان مربوط بوده و سر راه شرق نزدیک بشرق دور واقع شده میتوانسته نمونه



قسمتی از کاشی کاربهای مسجد شاه در اصفهان

های خوبی از صنایع و هنرهای زیبای خود را بدیگران برای سرمشق و تقلید بدهد و همچنین نکات و دقائق برجسته از صنایع دیگران را برای استفاده و تکامل کار خود اخذ نماید از این جهت است که جلال و ابهت علمی یونان در فکر اِی‌راسی تأثیر داشته و ایرانی خواسته است که آنچه خوب و زیباست از یونان اخذ کند اما نسبت به صنایع مستظرفه گرچه با فتوحات اسکندر طرحها و نقشه‌های مخصوصی برای زینت و آرایش بایران آمد ولی هرگز نتوانست نفوذ کلی در آثار گرانهای آن داشته و یابر هنرهای زیبای این کشور برتری یابد تنها کشوری که از حیث نقاشی با ایران تماس بیشتری داشته کشور آسمانی چین است که بعداً درباره آن مطالبی گفته خواهد شد

بعد از جانشینان اسکندر سلسله اشکانیان روی کار آمد این سلسله با وجودی که از تمدن یونانی آثاری کسب کرده بود ولی آنچه مختص بخود بود نه فقط حفظ نمود بلکه در هندوستان نیز انتشار داد، اما انتشار حقیقی و نفوذ واقعی تمدن و آثار زیبای ایران در دوره ساسانی پیش آمد که از قرن سوم تا هفتم میلادی در ایران حکمروائی داشته اند.

این سلسله آخرین سلسله است که از خون پاک ایرانی در سرزمین ایران سلطنت می کردند تا قرن شانزدهم میلادی که دوره حکومت سلاطین صفویه میرسد یعنی در طی نه قرن حکومت های مختلفی بر ایران حکمفرمائی داشته و شاید بقدر کافی علاقمند بایران نبوده اند، بهرجهت جای تعجب نیست که هنوز هم ایرانیان به سلسله با عظمت ساسانی با احترام نگاه کرده صنایع و آثار این دوره را دوست داشته باشند و باین دوره مشع و پرافتخار خود مباحثات کنند

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تا بیخ ایران در دنیا واقعا تاریخی واحد و منحصر بفرد است چه نهاجمات می پایانی بر زمین کهن سال ایران وارد آمد و بل کثر این نهاجمات مصائب و خونریزی زیادی توأم بوده)

معهدا روح زنده و قلب پر از شهادت ایرانی هر مرتبه نیروی تازه گرفته و هیچ گاه منکوب و مغلوب صرف نگردیده

همینطور هم از حیث صنایع مستظرفه ایران همیشه از آثار خود حیرت است ندوده و نگذارده است که دست اجانب بدانها برسد

شخص بعد از هر تهاجم و یا هر خونریزی تصور میکند که آثار پربهای ایران دستخوش عقاید تازه مهاجمین و تصاویر یا اشکال نقاشی خارجیان گردیده ولی همینکه بادقت

و نظر عمیق نگاه میکنند میبینند که خیر آنچه مربوط بخود کشور در نتیجه استعداد ایرانی بوده مانند نهال تازه مجددا نمایان شده و کم کم ریشه دوانیده و یکبار دیگر شاخها و برگهای خود را باطراف باز نموده و دنیا را معطر ساخته است



داخل کعبه کایسیای جلفا

مهمترین تهاجمی که به ایران گردید هجوم عرب بود که در قرن هفتم میلادی پیش آمد و آخرین پادشاه ساسانی را از تخت اجدادی خویش دور نمود از این لحاظ این هجوم برجسته و مهم خوانده میشود که غیر از جنبه نظامی و سلطنتی که داشت مقصود و منظور عمده آن نفوذ مذهب بود و اتفاقاً قوانین و رسوم این مذهب به طوری بود که برخلاف مذهب مسیحیت و بودائی که نقاشی و مجسمه ساز را و ادراک کشیدن و ساختن

آثار مقدس مذهبی مینمود یا میخواست که افسانه های مقدس را بصورت تصاویر نشان دهند بطور کلی این اعمال را خارج از تقوی دانسته و تمام سنایعی را که نتیجه آنها . نشان دادن شکل و صورت انسانی بود با نظر بدنگاه میکرد یعنی روحانیون دست نقاش را تاحدی محدود کرده و میدان فکر و عمل او را محصور مینمودند .

معهدا در نژاد ایرانی غریزه صنعت و هوش و استعداد بقدری بود که بهیچوجه خود را کاملاً مقید بقیودی ندیده و نتیجه صنعت و هوش خود را در جای دیگری نشان میداد از تمام نژادهائی که در شرق نزدیک در تحت لوای اسلام با هم متحد بودند ایرانیها از حیث صنایع مستظرفه و معماری برجسته و در درجه اول محسوب شده اند چنانکه در معماری و آن شاهکار های ذقیعتهی که از ایران باقیست در ساختن ظروف سفالین ، نقشه کشی طرح ریزی و رنگ آمیزی آن ها تا بحال هیچکس نتوانسته بهتر از استادان هنرمند ایرانی خود نغائی نماید در مورد نقاشی میتوان رشد و نمو يك سبیل و اسلوب مخصوص مای را از روزهاییکه چون يك نهال نورهسته پا بر سره وجود گذارده تا وقتی که میوه های آن بحد کامل رسیده شده اندم بقدم پیروی کرد .



سنگ آب در مسجد شاه اصفهان

ولی متأسفانه اثر خرابی های ابن تهاجم بحدی نبوده که بتوان از قرون اولیه تمدن
ایرانی باندازه کافی میوه های شیرین چید
اگر بپرسند در چه نوع نقاشی اعراب دخالت کرده اند و آمدن آنها با از بین بردن
آن مصادف گردیده باید گفت که باین مسئله نمیتوان يك جواب صریح و قطعی داد گر چه
میتوان گفت که اولین طرح های نقاشی ایران از روی اصول چینی بوده که اخیراً مسیو کالین
نمونه هایی از آنها در افغانستان پیدا نموده است در این نمونه ها شاهزادگان ساسانی را با



تصویر یکی از قالیچه های قدیم ایران

عابدین چینی با هم کشیده اند اما غیر از این نوع يك نوع نقاشی دیگری نیز در آن زمان معمول بوده است .

در سال ۱۹۰۴ هیئت محققین آلمانی تحت ریاست " وان لو کک " در بیابانهای مرکزی آسیا يك معبدی از پیروان مانئی پیدا نمودند این معبد شامل نقاشیهای بزرگ دیواری و کتیبه های رنگ آمیزی شده بود تا قبل از این اکتشاف اروپائیا مذهب مانئی را يك بدعت جدیدی از مسیحیت میدانستند مؤسس این مذهب يك نمر ایرانی بود که در قرن سوم میلادی می زیسته و قرن فوق الذکر يك قرن اضطراب و جوش و خروش مذهبی بوده و مانئی چنانکه فعلا ثابت گردیده میخواسته مذهبی طرح کند که شامل عناصر برجسته مذاهب سه گانه زردشتی مسیحیت بودائی بوده باشد

مذهب جدید او مردم را علاقمند صنایع مستظرفه نموده و خود " مانئی " نیز یک نفر نقاش زیر دست بود چنانکه در ادبیات ایران وقتی که میخواهند نقاشی را مورد تمجید قرار دهند او را به مانئی تشبیه مینمایند خلاصه این نقاش بزرگ را بهرام پادشاه ایران در حدود سال ۲۷۴ میلادی بقتل رسانید .

مذهب او پیشرفت های برجسته در مشرق و دو طرف دریای مدیترانه نمود ولی طولی نکشید که مخالفت شدید با پیروان او پیش آمد و در نتیجه باطراف متواری شده و از جمله بمن گز آسیا رفته و معبد مذکور را ساخته اند بنا بر این آنچه در مرکز آسیا و در این معبد یافت شده و فعلا در موزه برلین می باشد شاید از مهمترین آثار نفیس پیروان مانئی باشد چه بنا به عقیده هیئت فوق الذکر آن معبد يك مدرسه بزرگ صنایع مذهبی بوده است .

رشد و نمو اتفاقی و طرح های مخلوطی که در نقاشی ابتدائی ایران بعد از اسلام دیده میشود شاید در اثر عواملی است که در آن دوره حکمفرما بوده چه در آن دوره سر و کار ما با صنعتی بوده است که کمتر مخلوط موسسات صنعتی ناحیه بوده بلکه برعکس آثار است که نقاشان متعدد با تغییر زمان در دربارهای مختلف یا در قلمی که با آنها مساعدت مادی هم میشده میکشیده اند . گرچه در این دوره شاهزادگان و حکمفرمایان منتفذ اهمیت چندانی به معنویت نقاشی تصاویر در مذهب نداده و همین مسئله باعث توسعه و انتشار این صنعت گردید .

معهدا رؤسای مذهبی با نظر تحقیر آمیزی باین فن نگاه کرده و مسلما تشویق و ترغیبی از

طرف آنها در بین نبوده .

در عوض این نقصان استادان این فن میبایستی برای افراد بخصوصی که همان حامیان آنها بوده اند مطابق ذوق و سلیقه آنها کار کنند یعنی در آن دوره صنعت نقاشی عمومی نبوده و اگر چه حامیان متخصص از این استادان تمجید و تحسین مینموده اند معینا جامعه ایران اشخاص و آثار آنها قدر دانی نکرده و نقاشی در نظر عمومی بی اهمیت جلوه نموده در عوض فن خوشنویسی شهرت زیادی داشته است دلیل عمده که فن خوشنویسی رونقی بسزا داشته است اینست که مردم هنری را بالاتر از کتابت قرآن مجید خط برجسته عالی نمیدانسته اند .



یکی از نقاشیهای قدیم در موزه جلفای اصفهان

میتوان یقین داشت که قبل از هجوم عرب در ایران صنعت نقاشی تصاویری وجود داشته و در مشرق و شمال شرقی ایران نیز آثار قدیمی مردمان مانی ها و بودائیها تا آن زمان یافت میشود

ولی مرکز نفوذ و قدرت اسلامی یعنی مرکز خلافت در بین النهرین و در شهر بغداد بود ،
و در این شهر هم تمدن شایعه و متداول مبنی بر تمدن ایران ولی طرز و روش نقاشی معمول
و متداول آن ایام مبنی بر صنایع اطراف دریای مدیترانه بوده و شکی نیست که در خطه بین النهرین
هم نامدتی از نقاشی تصویری ممانعت میکرده اند .

در موقع خلافت در قسمت های شرقی ایران تجارت با دولت چین توسعه یافت و در
نیمه اول قرن سیزدهم میلادی که قسمت های معظم آسیا را آرتش های خوفناک چنگیز خان
فتح نمودند و ایران هم از این بلیه بی بهره نبوده و هم لطمه بزرگی بصنایع آن کشور بواسطه
آمدن نقاشان چینی بایران وارد آمد چه در آذربایجان از قرن ۱۴ میلادی باقیست بخوبی واضح
و معلوم میشود که استادان ایرانی خواسته اند از شیوه نقاشان چینی تقلید کنند . مخصوصاً دو
نسخه کتاب خطی برجسته از این قرن باقیست که یکی از آنها کتیبه تاریخ دیانت که بین
دانشگاه ادینبورگ و انجمن همایونی آسیائی در لندن تقسیم شده نقاشیهائی که در این نسخه دیده
میشود بنهایت جالب توجه میباشد برای اینکه بخوبی در آنها دیده میشود که استادان صنعتگر
ایرانی اگر چه اصولاً یک طرز مخصوص بخودی داشته اند خواسته اند چنانکه مذکور شد .

از طرز چینی تقلید کنند . یعنی عملآ رنگها را محدود نموده و بیشتر با قلم سیاه مثل
چینیها کشیده و یا معمولاً مثل آنها بکشیدن دور نما و مضامیری که مخصوص قلمنان چینی است
پرداخته اند بهر جهت معلوم است که در نشان دادن طبیعت چون صرف تقلید بوده اینقدر ها

علاقه نسبت بآن نشان نداده اند .
روشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نسخه دوم شاهنامه یا داستان حمزه ملی ایران است که در اوایل قرن یازدهم میلادی
ظریف کاری آن پرداخته گردید و این نسخه تقسیم الهی که بارو یا آورده شد بقطعات زیادی
تقسیم شد و فعلاً اکثر قطعات آن که (کلیناً ۵۴ قطعه بوده) در آمریکا میباشد .

در این شاهکار بیشتر میتوان به شبهه چینی در ظریف کاری ایرانی پی برد تا در سایر
آثار برای اینکه بخوبی واضح است که سازنده آن نقاشیهای چینی را بخوبی مطالعه کرده و با دقت
مخصوصی نکات برجسته آنرا بخاطر سپرده و با علاقه و نیروی تازه شروع بتقسیم آنها نموده
است بنا بر این در تماشای این قطعات شاهنامه یک روح نشاط و انبساط بانسان دست داده گوئی
در نظر او بهترین اثر مینیاتور کاری قرن ۱۴ چین را که از مشعشع ترین دوره های صنعتی
چین است بتماشای گذارده اند .

از این ها گذشته این کتیبه يك اثر برجسته در تاریخ نقاشی ایران باقی گذاشته چه نه فقط از حیث طرح ساده از حیث رنگ آمیزی هم نیز جالب توجه و از حیث شیوه بینظیر میباشد .

ولی نکته مهم اینجاست که ذرات رنگ و قلم نقاشی آن با چگونگی مقصود حماسه ها کاملاً برا بری میکنند ولی تقلید از سبک چینی مدت مدیدی در ایران در اثر خود باقی نمانده و بدست هنرمندان ایرانی مرمت و اصلاحی در آن روی داده است معهذاً چنان که ذکر گردید يك نقطه روشنی در تاریخ صنایع مستظرفه و بخصوص نقاشی و ظریف کاری ایران بوده و شاهکار است که کمتر مثل آن در جای دیگر دنیا دیده میشود .

کم کم قوه سبک چینی نیز رو بتخفیف گذارده و ایرانیها بعد از چنگیز پیروی از شیوه و روش مخصوص بخود اقدام مینمایند و مثل اینکه تخم این عمل سالیان دراز از پیش پراکنده شده باشد یکمرتبه شیوه خود ایرانی مجدداً باطراف ریشه دوانیده نهالها و گلهای آن باوجودی که از صنایع چینی آب خورده است کاملاً مشخص و ممتاز گردیده روح خود ایرانی را مجسم مینماید

در قرن چهاردهم میلادی که هنوز ایران از مصائب گذشته خود قدرات تهوده بود دچار يك بله دیگری که حمله تیمور لنگ باشد گردید جهان گشائی و فتوحات تیمور بیشتر شباهت بافسانه دارد تا بحقیقت های تاریخی که در کشور ایران و همسایگان آن روی داده چه ارتش های نامنظم بیابانی آن بهرجا که میرسیدند تیغ پیدریغ خود را کشیده از انسان که گذشت نسکرده حتی حیوانات را نیز محو و نابود مینمودند آبادی ها را خراب و هرجا اثر نشو و نما و حیات افراد بشر بود بکلی بایمال میکردند مورخین ارتشهای تیمور را تشبیه بتازیانه کرده اند که بانواختن آن شهرها از روی زمین محو گردیده اند باوجود تمام این ظلم و خونریزی تیمور شخصاً نه فقط فاتح بزرگی بوده بلکه علاقه زیادی بصنایع مستظرفه نیز داشته و از استادان صنایع حمایت کرده و نگذاشت که فدای قتل عامهای عمومی کردند یعنی آنها را در سمرقند جمع کرد تا تحت توجه او صنایع خود ادامه دهد

دو صفحه از يك نسخه خطی که در سال ۱۹۳۶ میلادی یازمان تیمور باقیمانده صنعت نقاشی ایندوره را نیز بخوبی نشان میدهد

ما در این جا وارد جزئیات و چگونگی نقاشیهای این دوره نشده بهمین اکتفا

مینمائیم که نقاشان ایرانی برخلاف نقاشان غربی در کشیدن مناظر طبیعی آنها را کاملاً با آنچه حقیقی و واقعی است وفق نداده اند برای این که بعقیده آنها اصولاً صنعت از این لحاظ موجود است که ارتباطی با طبیعت ندارد مثلاً نقاش عرب در کشیدن اشیائی که در چشم او دور میباشد معمولاً اندازه آنها را کوچک میکشد ولی نقاش ایرانی اینطور استدلال نموده میگوید مقصود عمده نقاشی مسرت شخص بیننده است و لذا میخواهد با کشیدن يك نابويك داستانی نیز به بیننده بگوید. بنابر این عقیده اشیاء و یا اشخاصیکه دور هستند ممکن است باندازه آنچه که نزدیک است برای بیننده اهمیت داشته و مورد پسند خاطر و علاقه او باشد بنابراین چرا آن ها را بعدی کوچک و غیر واضح نشان دهد که بیننده لذت روحی نبرد اگر نقاش ایرانی بخواهد گلها را از دور نمایش دهد و نسبت اندازه آن ها را در طبیعت رعایت نماید غیر از از چند لکه سیاه چیز دیگری نمیتواند بکشد در صورتیکه اگر رعایت این اصل را تمایز میتواند آنها را بنحوی که میخواهد بزرگ کشیده و بیننده را از تماشای شکل رنگ و نمو آنها لذت مخصوصی بدهد همینطور در نشان دادن يك منظره شبانه حتماً بیننده علاقه به دیدن تاریکی و یا سایه نخواهد داشت از این جهت نقاشان این دوره برای این که شب را نشان دهند فقط به کشیدن ماه در گوشه آسمان اکتفا کرده و بقیه منظره را مثل این که کاملاً در روشنایی روز دیده میشوند مجسم ساخته اند.

استکف و دوری از کشیدن سایه در نقاشیها معمول و متداول در تمام آسیا بوده و تا وقتیکه اسلوب اروپائی در نقاشان آسیائی نفوذ نکرده و در روش مخصوص آنها تغییری پیش نیاورده این اجتناب را کاملاً حفظ کرده اند.

ممكن است يك نفر اروپائی اسلوب بخصوص مشروحه در فوق را بچگانه تصور کند. این تصور بهیچوجه اطعمه زیبایی و حسن مخصوص نقاشی ایرانی و با بطور عموم شرقی نخواهد زد. تنها اروپائی باید بداند که نقاشان ایرانی خرد را مقید ندانسته و پیروی از این اصل اروپائی که میگوید تناسب طبیعی لازمه صنایع نقاشی است نکرده اند قرن پانزدهم قرن مهم و برجسته نقاشی ایران است.

يك نقاشی زیبای کوچکی در موزه صنایع پارس از اوایل این قرن دیده میشود. در این نقاشی شاهزاده همایون تازه بدربار چین رسیده و در باغی از او پذیرائی میگردد در منظره جالب توجهی که مجسم گردیده حتی شکوفه های رنگارنگ آن قدرت قلم و حس

اندک‌بینی نقاش ایرانی را بخوبی ثابت مینماید گرچه این نقاش يك منظره چینی را نشان میدهد ولی
بیاندازه با شیوه نقاشی چینی متفاوت است

ایرانیان علاقه زیادی بباغ دارند ولی باغهایی را که آنها علاقمند بکشیدن و نقش
کردن میباشند باغهای منظمی بوده که دارای خطوط مستقیم و دارای قرینه میباشند که چینیها
از این نوع باغ بکلی نقرت دارند چه برعکس اینها دوست دارند که نقاشیها بدون قرینه بوده
ولی بنحو دیگری توازن داشته باشد.

نقاشی این دوره ایران واضح و روشن و میتوان از هر صفحه آن يك مقصود و معنی
مخصوصی استباط کرد در صورتیکه نقاشی چینی مبهم بوده در آنها کمتر رنگ بکار رفته
است. صفات مخصوص نقاشی این دوره شدت و زیادی رنگ آمیزی است که چشم بیننده را
از این لحاظ جلب نموده او را وادار به تمجید مینماید.

در این جاممکن است شنونده اروپائی تصور کند نقاشیهای این دوره ایران تنها
صرف زینت بوده و ایرانیان باقسام دیگر نقاشی نپرداخته اند مخصوصاً چون راجع بنفوس اسلام
چند کلمه بیان گردید ممکن است این عقیده راسخ تر شده باشد.

اما این تصور باطل بوده و کافی است که شنونده به طرحهایی که برای قالی و
قالیچه های زری دوزی کاشیکاری ظروف سفالین ریخته شده توجه نماید تا یقین حاصل کند
که نقاشان ایرانی در انواع نقاشی استاد بوده و مهارت خود را نشان داده اند

و حقیقتاً هم وقتی يك نقاشی کوچکی با طرح قالی بزرگی در برابر چشم برای
مقایسه و سنجش گذارده میشود انسان نمیتواند از شگفتی و حیرتمندی ایرانیان و دقت مخصوص

آنها در همه چیز خود داری نماید. *مجله جامع علوم انسانی*
يك صفحه نقاشی دیگری که در يك نسخه خطی آثار حافظ دیده شده بما ثابت مینماید

که نقاشان ایرانی در کشیدن نقشهای بزرگ و جملگ نیز مهارت داشته اند چنانکه در این صفحه
کوچک که بیش از ۷۶ میایمتر ارتفاع ندارد يك منظره بزرگ و وسیع را بخوبی مجسم نموده اند
باید این نکته را نیز متذکر گردید که اگرچه نقاشی در ابتدای دوره ساده و مبنی بسر
نظریات و عقاید متداوله از سابق بوده بکمتر به بطوری اهمیت یافته و در انظار برجسته و زیبا
نمودار میشود که هیچوقت سابقه نداشته و البته علت عدم این نهضت ظهور نوابی است که
بهره از مشهورترین آنها بشمار میرود.